

واکاوی حق دولت‌ها در تولید و توسعه تسلیحات نظامی از منظر حقوق بین‌الملل

حسین شریفی طرازکوهی^۱

هادی گودرزی رئوف^۲

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۹/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۱۳

فصلنامه آفاق امنیت / سال دهم / شماره سی و ششم - پاییز ۱۳۹۶

چکیده

موضوع خلع سلاح و کنترل تسلیحات، از مسائلی است که در دو قرن اخیر به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم، در سه سطح سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیک و از سوی سازمان ملل متحد، دو کشور امریکا و شوروی و سایر کشورها و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بررسی شده است. با این وصف، هنوز جامعه بشری به تمام اهداف مقرر در حوزه خلع سلاح و کنترل تسلیحات نرسیده است. این در حالی است که براساس نظریه کاربرد تسلیحات، ممنوعیت‌ها و محدودیت‌هایی در تولید و توسعه تسلیحات نامتعارف، تسلیحات متعارف و تجارت حاصل از آنها و همچنین تسلیحات جدید ایجاد شده است.

لذا این سؤال مطرح می‌شود که چه محدودیت‌هایی بر حق تولید و توسعه تسلیحات نظامی اعم از نامتعارف و متعارف در پرتو معاهدات مربوط به خلع تسلیحات و کنترل آنها شکل گرفته است. در این نوشتار که به شیوه کتابخانه‌ای-اسنادی صورت گرفته، ضمن انتخاب نظریه کاربرد تسلیحات و پس از بررسی ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های مورد اشاره در حوزه تسلیحات، به این امر پرداخته شده است که دولت‌ها به بهانه صیانت از موجودیت خود و با استناد به ابزار دفاع مشروع و بازدارندگی، درباره تولید و توسعه تسلیحات مبسوط‌الید نیستند.

واژگان کلیدی

خلع سلاح، کنترل تسلیحات، معاهدات، دکترین بازدارندگی، تسلیحات متعارف و نامتعارف.



مقدمه

آنچه طی سالیان متمادی حق تولید و توسعه تسلیحات نظامی را در عرصه بین‌المللی برای دولت‌ها ایجاد کرده، استناد به مباحثی نظیر حفظ امنیت ملی و بین‌المللی و همچنین آموزه‌هایی چون دفاع مشروع، دفاع پیش‌دستانه و بازدارندگی بوده است؛ به‌گونه‌ای که هم‌زمان با پیشرفت علم در عرصه‌های مختلف و ظهور تکنولوژی‌های جدید، سلاح‌سازی نیز پیشرفت کرده و موجب تغییر ماهیت جنگ شده است. قدرت تخریب، نابودی و ویرانگری سلاح امروزی وصف‌شدنی نیست؛ به‌طوری‌که به‌کارگیری این نوع سلاح‌ها حتی می‌تواند کره زمین را از بین ببرد. سلاح‌های کشتار جمعی، نمونه بارز این سلاح‌هاست؛ سلاح‌هایی که در حال حاضر بیشترین تهدید را برضد بشر به همراه دارند. اگرچه در ابتدای امر به نظر می‌رسید که حقوق نمی‌تواند وارد عرصه چگونگی به‌کارگیری جنگ‌افزارها شود، به‌تدریج و با تلاش جامعه بین‌المللی، حقوق بین‌الملل توانست در این عرصه نیز وارد شود و محدودیت‌ها یا ممنوعیت‌هایی را در عرصه تولید، توسعه و استفاده از آنها ایجاد و اعمال کند.^۱

ضرورت محدودسازی و کنترل تولید و توسعه تسلیحات متعارف نیز، با هدف افزایش امنیت انسانی و کاهش آثار غیرانسانی تسلیحات بر غیرنظامیان طی سالیان گذشته، جامعه جهانی را به سمت ایجاد سازکارهایی برای کنترل توسعه و تجارت تسلیحات متعارف کشانده است. از طرفی با توجه به نقش مهم و تعیین‌کننده تسلیحات به‌عنوان اصلی‌ترین محور امور دفاعی، نظریه‌های مرتبط با قدرت نظامی نیز بر همین اساس شکل گرفته‌اند.^۲ رهیافت خلع سلاح،^۳ بر اندیشه‌ها و گرایش‌های آرمان‌گرایانه افرادی همچون ایمانوئل کانت و وُدرو ویلسون مبتنی است. این اندیشمندان می‌کوشیدند با پردازش مفهوم «صلح دمکراتیک» (Democratic Peace)، زمینه‌های استقرار صلح پایدار را حداقل در میان دولت‌های دمکراتیک فراهم آورند؛ درحالی‌که رهیافت «کنترل تسلیحات» (Arms Control) برگرفته از رویکرد واقع‌گرایی و ناشی از عملکرد ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی در دوره جنگ سرد در نیمه دوم سده بیستم میلادی است. با رخ دادن دو جنگ جهانی خانمان‌سوز در نیمه اول سده بیستم،

۱. حقوقی که در روابط مابین دولت‌ها، ممنوعیت‌هایی را در استفاده از این سلاح لازم‌الاجرا کند حقوق بین‌الملل سلاح‌های کشتار جمعی می‌نامند (سلیمان‌زاده، ۱۳۹۳).

۲. توسعه تسلیحات متعارف ناشی از تجارت غیرمسئولانه در جهان، نشان می‌دهد که هر ساله هزاران نفر به دلیل پراکندگی گسترده اسلحه و مهمات، جان خود را از دست می‌دهند یا بی‌خانمان و مجروح می‌شوند یا در معرض تعرض و تجاوز قرار می‌گیرند (شفیعی و دولت‌خواه، ۱۳۹۲: ۱۴۲).

۳. در مجموع سه نظریه اساسی در حقوق و روابط بین‌الملل در خصوص نحوه برخورد با تسلیحات در عرصه روابط بین‌المللی از نظر پذیرش کامل، نفی کامل و رویکرد نسبی و بینابینی وجود دارد (ساعد و علیدوستی، ۱۳۸۹: ۵۹).



ناتوانی رهیافت خلع سلاح و ناکارآمدی رویکرد آرمان‌گرایی در تأمین صلح و امنیت بین‌المللی بیش‌ازپیش برای اندیشمندان و کارگزاران مسائل بین‌المللی روشن شد و رهیافت کنترل تسلیحات طرف‌داران بیشتری پیدا کرد.^۱ از سوی دیگر مسلماً قانونمند کردن هر سلاح جدیدی که به بازار وارد می‌شود یا هر سلاحی که در کارایی‌های آن اصلاحاتی داده می‌شود، غیرممکن است؛ زیرا تعداد تسلیحات جدید یا با فناوری‌های جدید همواره رو به افزایش‌اند. از این‌رو ایجاد و برقراری پاره‌ای قواعد اصولی می‌تواند قانونمندی در این تسلیحات را محقق کند، بدون آنکه نامی از هر سلاح برده شود.

حق دولت‌ها در تولید، انباشت و توسعه تسلیحات نظامی از منظر حقوق بین‌الملل از طرفی و همچنین خلع سلاح (Disarmament) و کنترل تسلیحات^۲ از سویی دیگر در اواخر قرن نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم، به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم، از مباحث مهم در عرصه استراتژیک بوده است. تلاش‌هایی در این زمینه و در سطح سلاح‌های هسته‌ای و غیرهسته‌ای و اغلب از سوی سازمان ملل متحد، دو کشور آمریکا و شوروی و سایر کشورها و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی صورت گرفته است.^۳ از این‌رو این سؤال مطرح می‌شود که محدودیت‌های حق تولید و توسعه تسلیحات نامتعارف نظامی در پرتو معاهدات مربوط به کنترل و خلع تسلیحات کدام‌اند. رشد تولید تسلیحات و تجارت حاصل از آنها که یکی از مصادیق توسعه تسلیحات متعارف است، می‌تواند پیامدهای ناگوار انسانی فراوانی را در مناطق مختلف جهان به همراه داشته باشد. این در حالی است که دولت‌ها به استناد حفاظت از موجودیت خود و با استناد به حق شناخته‌شده دفاع مشروع و همچنین انواع بازدارندگی در حقوق بین‌الملل، تولید و توسعه تسلیحات اعم از متعارف، نامتعارف و تسلیحات جدید را از لوازم اصلی امنیت خود می‌دانند. لذا در ادامه حق دولت‌ها در تولید و توسعه این نوع از تسلیحات در پرتو ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های معاهدات بین‌المللی مورد واکاوی قرار خواهد گرفت.

۱ . طرف‌داران کنترل تسلیحات، وجود جنگ‌افزارها و تسلیحات نظامی را برای تقویت صلح و امنیت بین‌المللی مثبت ارزیابی می‌کنند و آموزه بازدارندگی را موفق‌تر از رهیافت خلع سلاح می‌دانند (بلوچی، ۱۳۸۲: ۱۵۰).

۲ . رهیافت «کنترل تسلیحات» برگرفته از رویکرد واقع‌گرایی و ناشی از عملکرد ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی در دوره جنگ سرد در نیمه دوم سده بیستم میلادی است (ازغندی و روشن‌دل، ۱۳۸۶: ۲۳۱).

۳ . این نکته نیز نباید دور از ذهن بماند که در حال حاضر نظام سنتی منع تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی در برخورد با پدیده‌های جدید از جمله آسان‌تر شدن دستیابی به اطلاعات و تکنولوژی و همچنین ارزان‌تر شدن دسترس به سلاح‌های کشتار جمعی توسط بازیگران غیردولتی، دارای خلأ و کاستی‌هایی است (شریعت‌زاده، ۱۳۸۹: ۷).

مفاهیم نظری

- تعریف سلاح

پیش از هر چیز، ارائه تعریف دقیق از سلاح به این دلیل اهمیت دارد که نبود تعریف دقیق می‌تواند سبب شود هر دولت برای انطباق تسلیحاتش، از معاهدات و موازین بین‌المللی طفره رود و آن را از مصادیق توسل به زور نداند و حق خود را برای تولید و توسعه آن نامحدود تشخیص دهد (Blake and Imburgia, 2010: 160). براساس ماده ۳۶ پروتکل اول ۱۹۷۷، سلاح وسیله جنگی تدافعی یا تهاجمی است که برای تخریب، ایجاد جراحت، شکست دادن یا تهدید کردن به کار می‌رود. این تعریف شامل سیستم‌های تسلیحاتی، مهمات، شبه‌مهمات، تدارکات، ابزارهای هدف‌گیری و سایر مکانیزم‌های ایجاد خسارت یا جراحت می‌شود (Australian Department of Defence, 2005: 1). یکی دیگر از نویسندگان در مقاله خود، سلاح را شامل آن تجهیزات، مهمات و ابزارهایی می‌داند که قابلیت تهاجمی داشته باشند. او در ادامه تأکید می‌کند که قابلیت کاربردی سلاح ملاک است، نه وضعیت فعلی و ساختاری آن. این نوع تعریف از سلاح شامل تسلیحات نامتعارف و متعارف می‌شود (Boothby, 2009: 344).

تسلیحات نامتعارف و متعارف

سلاح‌ها از جنبه گستردگی و وسعت عمل، قدرت انفجار و تخریب، به دو دسته سلاح‌های نامتعارف و سلاح‌های متعارف تقسیم می‌شوند. سلاح‌های نامتعارف شامل سلاح‌های شیمیایی، میکروبی و هسته‌ای است که باتوجه به قدرت انهدام و وسعت عملکرد آنها، به سلاح‌های کشتار جمعی نیز معروف‌اند (قاسم‌پور انارکی: ۱۳۹۴). معیار تشخیص این سلاح‌ها، قدرت تخریبی و اهداف آنهاست. براساس معیار دوم، این سلاح‌ها ماهیتاً جز به‌منظور انهدام وسیع به کار نمی‌روند و نمی‌توانند به اهداف معینی محدود شوند. سایر سلاح‌های خارج از این دسته، سلاح‌های متعارف نامیده می‌شوند (سلیمان‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۲). سلاح‌های متعارف نیز به دو گروه تقسیم می‌شوند: یک گروه به دلیل داشتن آثار غیرتبعیض‌آمیز و ایجاد درد و رنج غیرضرور، به نام برخی سلاح‌های متعارف و گروه دیگر که شامل هفت دسته‌بندی مربوط به سیستم ثبت سلاح‌های نامتعارف (تانک، خودروهای زره‌پوش، سیستم‌های توپخانه‌ای کالیبر بزرگ، هواپیمای جنگی، بالگردهای تهاجمی، کشتی و ناوهای جنگی، موشک و سیستم پرتاب آن)، سلاح‌های سبک و کوچک است، به نام سلاح‌های متعارف عادی شناخته می‌شوند (دیتر فلک و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۷۴).



خلع سلاح و کنترل تسلیحات

عدم تولید و توسعه تسلیحات نظامی و به عبارتی اصطلاح خلع سلاح، به رهیافت پیشینه‌داری اشاره دارد که هدف آن، از بین بردن امکان وقوع جنگ از طریق نابودی یا کاهش حداکثری سلاح‌ها و جنگ‌افزارهاست. خاستگاه اصلی این رهیافت، رویکرد آرمان‌گرایی^۱ در روابط بین‌الملل است که باور دارد با نابودی تجهیزات و تسلیحات نظامی، جنگ نیز از زندگی بشر رخت برخواهد بست. در اندیشه آرمان‌گرایان، سلاح به‌واسطه کارگزاری انسان، دلیل و عامل اساسی جنگ است؛ چراکه جنگ‌افزارها با تبدیل شدن به موضوع مسابقه تسلیحاتی، موجب تقویت ریشه اختلاف‌ها و تنش‌ها در میان دولت‌ها می‌شوند، و هنگام بروز تنش و رویارویی، دولت‌مدان در اولین وهله به گزینه برخورد نظامی متوسل می‌شوند (Morgenthau, 1984: 419).

از سوی دیگر معتقدان به مقوله تولید و توسعه تسلیحات نظامی نیز قایل به افسارگسیختگی و برگزاری مسابقه تسلیحاتی بین کشورها نیستند و طی دهه‌های گذشته در پرتو نظام کنترل تسلیحات به روند تولید، انباشت و توسعه آن معتقدند. لذا اصطلاح کنترل تسلیحات عبارت است از کاهش بین‌المللی توسعه، آزمایش، استقرار و به‌کارگیری سلاح‌ها که همراه با پذیرش اجتناب‌ناپذیر وجود تأسیسات نظامی است (Boothby, 2009: 344). این رهیافت همچون رهیافت خلع سلاح، به دنبال ایجاد سازکار مناسبی جهت کاهش احتمال وقوع جنگ است و درعین حال پدیده جنگ را نفی نمی‌کند، بلکه در کنار این هدف می‌خواهد با فراهم آوردن بستر لازم، امکان خویشتن‌داری را در زمان بروز درگیری افزایش دهد^۲ (غریب‌آبادی، ۱۳۸۱: ۸). در دسته‌بندی تاریخ‌محور می‌توان بازه زمانی رهیافت خلع سلاح را به دوران بعد از جنگ جهانی اول محدود کرد؛ چراکه در این دوره وجود تسلیحات نظامی، دلیل بروز جنگ جهانی اول تلقی می‌شد و بیشتر تلاش‌های نظری بر خلع سلاح متمرکز بود؛

۱. طرفداران رهیافت خلع سلاح این‌چنین استدلال می‌کنند که ساخت و انباشت جنگ‌افزارها بدین معناست که جنگ، از راه‌های حل‌فصل اختلاف‌های بین‌المللی است؛ درحالی‌که جنگ هیچ مشکلی را در روابط بین‌المللی حل نکرده است. براساس همین برداشت، طرفداران این رهیافت سه هدف عمده را برای آن در نظر می‌گیرند که عبارت‌اند از: نجات بشر از نابودی حتمی ناشی از کاربرد سلاح‌های هسته‌ای، جلوگیری از فقر و گرسنگی با تخصیص منابع تسلیحاتی در امور رفاهی و تأمین و درنهایت فراهم آوردن زمینه‌های مناسب برای ایجاد امنیت روانی، پیشرفت علمی و توسعه سیاسی (ازغندی و روشن‌دل، ۱۳۸۶: ۲۳۱).

۲. دولت‌ها در زمان درگیری و مخاصمه مسلحانه هر اندازه که مجهز باشند، به همان میزان هم دست خود را در استفاده از جنگ‌افزارها باز می‌بینند و امکان گسترش جنگ به حوزه‌های خارج از مسائل سیاسی و نظامی بیشتر می‌شود، که از آن جمله می‌توان به استفاده از سلاح‌های شیمیایی و میکروبی اشاره کرد که محیط زیست و افراد غیرنظامی و شهروندان عادی را مورد هدف قرار می‌دهد. از سوی دیگر، اگر دولت‌ها با انعقاد قراردادهای بین‌المللی بتوانند اشتباهات سیری‌ناپذیر خود را در جمع‌آوری سلاح مهار کنند، در صورت بروز درگیری نظامی، امکان خویشتن‌داری و کنترل بحران با زمینه مناسبی همراه خواهد شد.



اما با وقوع جنگ جهانی دوم، اندیشه تأسیس جامعه ملل و رهیافت خلع سلاح به حاشیه رانده شد و رویکرد آرمان‌گرایی در روابط بین‌الملل رو به فرسایش گذاشت (عسکرخانی، ۱۳۷۷: ۵). پس از پایان جنگ جهانی دوم، شوروی و آمریکا در عرصه بین‌الملل به رقابت تسلیحاتی پرداختند؛ که سرمایه‌گذاری عمده هر یک از این دو ابرقدرت روی سلاح‌های هسته‌ای، کاملاً برای جهانیان مشهود بود. در این دوره، رویکرد واقع‌گرایی با محوریت دیدگاه بازدارندگی حاکم بوده است (ظریف و سجادی‌پور، ۱۳۸۶: ۵۷۹). با شروع مذاکرات سالت یک، اولین پیمان تحدید سلاح‌های استراتژیک در سال ۱۹۶۸، در نهایت شوروی و آمریکا درباره محدودیت وسایل حمل سلاح‌های هسته‌ای استراتژیک خواه تهاجمی یا دفاعی، به توافق رسیدند و دوره جدیدی در روابط غرب و شرق شروع شد که متکی بر دیدگاه کنترل تسلیحات بود^۱ (ازغندی و روشن‌دل، ۱۳۸۶: ۲۵۴). لذا براساس نظریه فوق، بسیاری از معاهدات بین‌المللی طی سالیان گذشته در حوزه تسلیحات منعقد شده است و ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های زیادی را برای این حق احصا کرده‌اند. بنابراین در ادامه ضمن پرداختن به معاهدات بین‌المللی در حوزه تسلیحات، به این ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها اشاره خواهد شد.

حق دولت‌ها در تولید و توسعه تسلیحات نظامی از منظر حقوق بین‌الملل

۱. حق دولت‌ها در تولید و توسعه تسلیحات نامتعارف

همان‌گونه که بیان شد، آنچه سبب تمایز تسلیحات نامتعارف از سایر تسلیحات می‌شود، وجه بارز قدرت تخریب و میزان آسیبی است که این نوع تسلیحات به بار می‌آورند (قاسم‌پور انارکی: ۱۳۹۴). بر همین مبنا بحث کنترل تسلیحات درباره این نوع تسلیحات بیشتر مورد توجه و حمایت جامعه بین‌المللی و افکار عمومی قرار گرفته است. از این رو در ادامه ضمن پرداختن به معاهدات بین‌المللی و برشماری ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها درباره حق تولید و توسعه تسلیحات نامتعارف، علل توقف در روند قانون‌گذاری در این زمینه نیز مورد واکاوی قرار خواهد گرفت.

۱. این در حالی است که قبل از ۱۱ سپتامبر و افزایش گروه‌های تروریستی، برای جامعه بین‌المللی بدیهی شده بود که معاهدات بین‌المللی درباره خلع سلاح و کنترل تسلیحات، مخصوصاً در حوزه تسلیحات نامتعارف، باید کانون توجه قرار گیرد و از سوی دیگر مخارج و بودجه‌های نظامی جهان (بعد از کاهش در دهه‌های پس از پایان جنگ سرد) باید به سمت کاهش تدریجی حرکت کند. اما بسیاری از کشورها از جمله آمریکا تروریسم را به دلیل و بهانه‌ای برای عدم توجه به معاهدات بین‌المللی در این رابطه و افزایش بودجه‌های نظامی خویش تبدیل کرده و به نوعی حیات برخی معاهدات بین‌المللی را با مخاطره مواجه ساخته‌اند.



۱-۱. سیر تطور کنترل تولید و توسعه تسلیحات نامتعارف

در نیمه دوم سده نوزدهم میلادی، تلاش‌هایی در سطح جامعه بین‌المللی با ابتکار عمل تعدادی از دولت‌های بزرگ و قدرتمند در آن زمان به منظور کاستن از درد و رنج بیهوده برخی جنگ‌افزارها صورت گرفت تا دامنه اقدامات غیرضروری میدان نبرد را کاهش دهد. دولت‌های شرکت‌کننده در اجلاس سن‌پترزبورگ توافق کردند که از به کار بردن فشنگ‌های آتش‌زا و گلوله‌های سوزاننده کمتر از ۴۰۰ گرم خودداری کنند (ظریف و سجادپور، ۱۳۸۹: ۵۷۲). شرکت‌کنندگان در این کنفرانس، هدف جنگ را کشورگشایی برای ایجاد توازن نیروها می‌دانستند و کشتن افراد را بیهوده و غیرضروری می‌پنداشتند. بنابراین کشورها حق دارند در جنگ تا جایی که به از کار انداختن دشمن مربوط می‌شود، از سلاح استفاده کنند و خارج از این حیطه توجیهی ندارد. از سوی دیگر براساس تجربیات به‌دست‌آمده از اجلاس سن‌پترزبورگ، در کنفرانس صلح لاهه نیز استفاده از سلاح‌های شیمیایی ممنوع شد و همچنین دولت‌ها در کنفرانس اول توافق کردند که به مدت پنج سال از بالون به منظور بمباران هوایی و پرتاب گلوله استفاده نکنند. یکی از دستاوردهای مهم این نشست بین‌المللی، تأسیس دیوان بین‌المللی داوری (Permanent Court of Arbitration) بود که با انگیزه رسیدگی به دعای مربوط به توافقات ایجاد شد. در گردهمایی دوم صلح لاهه که در تابستان ۱۲۸۶ قمری (۱۹۰۷م) صورت گرفت، استفاده از تسلیحات سمی و زهرآگین ممنوع اعلام شد و شرکت‌کنندگان توافق کردند که از کشتن افراد زخمی و سربازانی که تسلیم شدند خودداری کنند. آخرین تلاش صورت‌گرفته در این دوره، به‌کارگیری سلاح‌های خفه‌کننده، سمی و روش‌های میکروبی را در جنگ ممنوع کرد (پروتکل ۱۹۲۵ ژنو).^۱ هرچند پروتکل ۱۹۲۵ ژنو، استفاده از گازهای سمی را ممنوع کرد، تولید، توسعه و ذخیره آن را بی‌پاسخ گذاشت و هیچ تعریفی از سلاح بیولوژیک و شیمیایی ارائه نکرد و در عمل هم تعداد بسیاری از دولت‌های عضو پروتکل با اعمال حق شرط برای خود، حق اقدام تلافی‌جویانه در صورت استفاده از این سلاح‌ها توسط دشمنانشان را برای خود قائل شدند؛ که امریکا و رژیم صهیونیستی هم جزو این کشورها بودند (غریب‌آبادی، ۱۳۸۱: ۲۰-۲۱).

۱. درواقع این پروتکل، تلاشی در جهت جهانی کردن ممنوعیت استفاده از سلاح‌های شیمیایی تحت نظارت جامعه ملل بود، با این تفاوت که در کنوانسیون دوم لاهه در سال ۱۹۰۷ میلادی، ممنوعیت به‌کارگیری تسلیحات شیمیایی به صورت محدود و منحصر در بین اعضای شرکت‌کننده در این کنفرانس بوده است. بنابراین برای رهایی از این دایره بسته و محدود، این پروتکل اقدام مؤثری در زمان خود بود تا فراگیری ممنوعیت استفاده از این نوع تسلیحات را گسترش دهد.



۱-۱-۱. کاهش توان تسلیحاتی در پرتو کارگزاری ابرقدرت‌ها^۱

آریستید بریان، وزیر خارجه فرانسه در ژوئن ۱۹۲۷، طی پیامی به وزیر خارجه آمریکا بیان کرد که وی باید انعقاد معاهده و قراردادی را که توسل به جنگ برای نیل به مقاصد سیاسی باشد ممنوع اعلام کند. پاسخ مساعد فرانک کلوگ، وزیر امور خارجه آمریکا، موجب امضای معاهده «بریان-کلوگ» شد (بزرگ‌مهری، ۱۳۸۶: ۲۹۸). با گذشت زمان، این پیمان، تنها به کشورهای آمریکا و فرانسه محدود نشد و در ۲۷ اوت ۱۹۲۸، معاهده «بریان-کلوگ» در گردهمایی پاریس به امضای پانزده قدرت جهان رسید. اندکی پس از آن، تعداد کشورهایی که به پیمان پیوستند از شصت عضو فراتر رفت. کشورهایی چون آلمان، شوروی و ژاپن نیز در این فهرست قرار گرفتند^۲ (نقیب‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۹۹). در سال ۱۹۵۹ آمریکا، شوروی و انگلستان که سه کشور دارنده سلاح‌های هسته‌ای بودند، تحت تأثیر پیشنهادهای کنفرانس کارشناسان، گردهمایی‌ای به منظور بررسی آزمایش‌های اتمی تشکیل دادند. پس از بحران موشکی کوبا، دیدگاه‌های آمریکا و شوروی به هم نزدیک شد و در پنجم اوت ۱۹۶۳ قرارداد منع آزمایش‌های اتمی در جو، آن سوی فضای جو و زیر آب توسط وزرای خارجه سه کشور اتمی امضا شد^۳ (بزرگ‌مهری، ۱۳۸۶: ۳۰۱).

از نظر سیاسی و فنی، گام قاطع در زمینه کنترل تولید و توسعه، با موافقت‌نامه ۱۹۷۶ واشنگتن برداشته شد که درباره موشک‌های هسته‌ای زمین به زمین مستقر در اروپا (Euromissiles) سخن می‌گوید. البته مهم‌ترین موافقت‌نامه‌ها، درباره محدودیت سلاح‌های راهبردی (سالت) منعقد شده است. در حالی که موافقت‌نامه‌های سالت ۱، محدود ساختن دقیق سلاح‌های تهاجمی راهبردی را مدنظر داشت، موافقت‌نامه‌های سالت ۲، سقف نسبتاً بالایی را برای تسلیحات و هواپیماهای تهاجمی مخصوص حمل

۱. اقدام‌های کنترل تسلیحاتی و خلع سلاح دو ابرقدرت، به تلاش‌ها و تعهدات آمریکا و شوروی از سال ۱۹۷۰ تا سال ۱۹۹۰ اشاره دارد.

۲. با گذشت یک دهه از پیمان پاریس، در سال ۱۹۲۸ قاره اروپا آستان حوادثی شد که بار دیگر کارگزاری انسان، توسط ساختار کهن مسلط بر روابط بین‌الملل به چالش کشیده شد و جنگ جهانی دوم، بار دیگر ناتوانی انسان متمدن را در ایجاد ساختار جدید به رخ او کشید و دیدگاه خلع سلاح که بعد از پایان جنگ جهانی اول بر فضای فکری روابط بین‌الملل حاکم شده بود، ناکارآمد جلوه کرد. با تأسیس سازمان ملل متحد که توسط فاتحان جنگ جهانی دوم بنیان افکنده شد، بشر دوباره بخت خود را برای بنیان افکندن نهادی که بتواند برای همیشه حافظ صلح و امنیت بین‌المللی باشد، آزمود، غافل از اینکه دو جبهه شرق و غرب در درون ساختار جدید به زور آزمایی پرداختند و برای مدتی فضای جنگ سرد بر روابط بین‌الملل حاکم شد و روند خلع سلاح و کنترل تسلیحات در عمل به فراموشی سپرده شد.

۳. بعد از آزمایش سلاح‌های هیدروژنی توسط آمریکا و شوروی در سال ۱۹۵۴، برای اولین بار افکار عمومی دنیا به‌طور جدی بر ضد چنین آزمایش‌هایی موضع مخالفی اتخاذ کرد و پیشنهادهایی برای غدغن کردن انفجارات اتمی ارائه شد. در همین حال فعالیت‌های آمریکا، شوروی و انگلستان با شدت بیشتری در زمینه آزمایش‌های اتمی بین سال‌های ۱۹۵۵ تا ۱۹۵۸ پیگیری شد و موجب نگرانی فزاینده جامعه بین‌المللی شد و در نهایت در سال ۱۹۵۸ در پی مخالفت‌های جهانی با آزمایش‌های اتمی، میان رهبران آمریکا و شوروی (آیزنهاور و خروشچف) نامه‌هایی مبادله شد.

مواد هسته‌ای پذیرفته بود. مذاکرات مربوط به کاهش تولید سلاح‌های هسته‌ای میان‌برد و کوتاه‌برد (F.N.I)، سبب گُند شدن واقعی مسابقه تسلیحات هسته‌ای در اروپا (کنوانسیون ۱۹۸۷) و نیز کاهش واقعی تولید و سقف تسلیحات تهاجمی راهبردی و سلاح‌های شیمیایی شده است. موافقت‌نامه‌های جکسون هال در سال ۱۹۸۹ و موافقت‌نامه S.T.A.R.T در سال ۱۹۹۱، به‌طور میانگین کاهش سی درصدی تسلیحات هسته‌ای تهاجمی با برد بلند دو قدرت بزرگ را تا سال ۲۰۰۰ تثبیت می‌کند (مختاری امین، ۱۳۷۸: ۵۵۹).

۱-۲-۱. کاهش توان تسلیحاتی در پرتو اقدامات ملل متحد

هرچند ممکن است این دوره از نظر بازه زمانی با دوره قبل تداخل داشته باشد، خاستگاه معاهده‌های عدم اشاعه و منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای، با خاستگاه کنوانسیون‌های میکروبی و شیمیایی متفاوت است؛ چراکه کانون شکل‌گیری و ایده‌پردازی کنوانسیون‌های بیولوژیک و شیمیایی، کمیته خلع سلاح و ساختار ملل متحد بوده است (بیگزاده، ۱۳۸۹: ۴۲۰). در عین حال نمی‌توان نقش آفرینی ابرقدرت‌ها را در این زمینه نادیده گرفت. اما معاهده‌های N.P.T و C.T.B.T در ابتدا با کارگزاری ابرقدرت‌ها تدوین شدند و ابرقدرت‌ها در روند شکل‌گیری این دو معاهده بسیار فعال بودند و سپس سازمان ملل در این حوزه وارد شد (تفرشی خامنه، ۱۳۸۶: ۴۷). با این اوصاف می‌توان نقش سازمان ملل را در دو زمینه واکاوی کرد:

تسلیمات هسته‌ای: تاکنون بیشتر تلاش‌های انجام‌شده درباره کنترل تسلیحات هسته‌ای، به دولت‌های معدود دارای توانایی هسته‌ای نظامی معطوف شده است. دو کنوانسیون جهان‌شمول این هدف را دنبال کرده‌اند: معاهده مسکو (۱۹۶۳) که برای دولت‌های متعهد، آزمایش‌های هسته‌ای را در فضای فراسوی جو و زیر آب یا در هر مکان دیگر، اگر باعث ریزش ضایعات رادیواکتیو در خارج و درون سرزمین‌های تحت صلاحیت قضایی یا سرزمین‌های تحت کنترل آنها شده باشد، ممنوع می‌کند؛ معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای، معروف به N.P.T (۱۹۶۸)، که مطابق آن، دولت‌های دارای سلاح هسته‌ای متعهد می‌شوند سلاح و دیگر امکانات هسته‌ای را به دولت‌های فاقد آن انتقال ندهند، که مصداقی از توسعه است و همچنین در جهت کسب آن نیز، به آنان کمک نکنند (Scott, 2010: 190-191).

دولت‌های فاقد این سلاح هم، به نوبه خود از دستیابی به آن خودداری می‌کنند و نظام نظارتی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را می‌پذیرند. در مقابل، دولت‌های دارای سلاح هسته‌ای تعهد می‌کنند تجهیزات لازم و داده‌های علمی و فنی را به منظور استفاده مسالمت‌آمیز انرژی اتمی، برای دولت‌های فاقد سلاح هسته‌ای فراهم آورند.^۱ از طرف دیگر متعهد می‌شوند در راستای نظامی فراگیر، برای از بین بردن تسلیحات اتمی بکوشند (بلوچی، ۱۳۸۲: ۱۴۷)؛

تسلیحات غیرهسته‌ای: تا این اواخر، تنها زمینه‌ای که در آن اقدام واقعی درباره ممنوعیت تولید و توسعه تسلیحات نامتعارف انجام گرفته بود، مربوط به سلاح‌های بیولوژیک و باکتریولوژیک بود که تحت مفاد پروتکل ۱۹۲۵ ژنو، استفاده از آنها ممنوع است و از آن پروتکل نیز، تنها سند مقررات جنگ غیرهسته‌ای تنظیم شده است، ولی کنوانسیون ۱۹۷۲، از یک طرف ساخت، توسعه و ذخیره سلاح مذکور را ممنوع می‌کند و از طرف دیگر، تخریب ذخایر موجود را خواستار می‌شود. البته با نبود نظام کنترل قابل اعتماد، تحقق این امر چندان قابل اطمینان نیست. کنوانسیون ۱۹۸۱ نیویورک را نیز تنها می‌توان به عنوان پیشرفتی در حقوق بشردوستانه جنگ و نه اقدام خلع سلاح بیولوژیک شمرد (شهبان، ۱۳۷۸: ۲۶۱).

اما درباره مهم‌ترین اقدام‌ها راجع به ممنوعیت تولید و توسعه تسلیحات در گستره جهانی، باید از کنوانسیون ممنوعیت سلاح‌های شیمیایی (CWC) نام برد که پس از مدت‌ها، در سال ۱۹۹۲ در کنفرانس خلع سلاح در ژنو تصویب شد^۲ و در اجلاس پاریس (۱۹۹۳) به امضای کشورهای مختلف رسید (John, 2009).

۲-۱. علل توقف در روند کنترل تولید و توسعه تسلیحات هسته‌ای

در راستای تحقق نظام کنترل تسلیحات، درحالی که در حوزه سلاح‌های بیولوژیک و شیمیایی، نظام ممنوعیت تولید و توسعه در معاهدات چندجانبه دنبال شده، دستاورد تلاش‌های بین‌المللی در زمینه سلاح‌های هسته‌ای که از مصادیق دیگر سلاح‌های کشتار جمعی است، جز در موارد اندکی که در معاهدات مربوط به عاری نگه داشتن برخی مناطق از سلاح هسته‌ای و منع آزمایش‌های هسته‌ای ذکر شده است، چیزی

۱. گفتنی است این تعهدات نتایج مورد انتظار را نداشت و دولت‌های فاقد این سلاح در نخستین کنفرانس بررسی معاهده مذکور (۱۹۷۵م)، بر ضد عمل کردن دولت‌های هسته‌ای در انجام تعهدات خود در این زمینه اعتراض کرده‌اند. نگرانی دولت‌های دارای سلاح هسته‌ای از خطرهای انتقال تکنولوژی اتمی، از دلایل این کنده بوده است.
 ۲. از ویژگی‌های این کنوانسیون که در زمینه خلع سلاح، کنوانسیون نمونه قلمداد می‌شود، بازرسی اتهامی است که هر دولت متعاقد می‌تواند به آن متوسل شود. به عبارت دیگر، صرف اتهام دولتی به دولت متعاقد دیگر، مبنی بر اقدام به ساخت سلاح شیمیایی، موجب بازرسی فوری در محل خواهد شد.



بیش از ایجاد رژیم حقوقی تبعیض‌آمیز نیست (عسکرخانی، ۱۳۷۷: ۱۹). لذا در ادامه به علل توقف در روند ممنوعیت تولید و توسعه این نوع تسلیحات نامتعارف پرداخته خواهد شد.

۱-۲-۱. بازدارندگی

در طول نیم قرن که از تولید سلاح هسته‌ای می‌گذرد، تهدید به کاربرد این سلاح که اصطلاحاً بازدارندگی هسته‌ای نامیده می‌شود، نقش مهمی در روابط بین‌المللی داشته است. آنچه معاهدات مرتبط با سلاح هسته‌ای را نیز با مخاطره مواجه کرده، استناد به ارزش بازدارندگی این نوع تسلیحات نامتعارف است^۱ (دبیری‌مهر، ۱۳۸۲: ۱۵۲). در این زمینه رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری اشعار می‌دارد^۲ دیوان نمی‌تواند رویه موسوم به سیاست بازدارندگی را که بخش درخور توجهی از جامعه بین‌المللی سال‌ها از آن پیروی کردند، نادیده بگیرد. بنابراین، از نظر دیوان بین‌المللی دادگستری، در مواردی که استفاده از سلاح هسته‌ای برای دفاع مشروع ممنوع نباشد، بازدارندگی هسته‌ای مشروع است. بر همین اساس، دیوان برخلاف نظر برخی کشورها، صرف مالکیت سلاح هسته‌ای را تهدیدی نامشروع برای توسل به زور تلقی نکرد (میرشهبیز شافع، ۱۳۷۷: ۱۵۶). بسیاری معتقدند این رأی با تلاش‌های بین‌المللی نظیر تأسیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و معاهده ان.پی.تی. که قائل به ممنوعیت منع تولید، تکثیر و استفاده از سلاح هسته‌ای است، در تناقض آشکار قرار دارد (هالستی، ۱۳۷۳: ۵۲۵).

اگر مفاد ماده ۶ معاهده ۱۹۶۸ متضمن عناصر قاعده حقوقی قوام‌یافته (hard law) تلقی شود، می‌توان گفت این معاهده اساساً برای نفس بازدارندگی هسته‌ای نیز اعتباری دائمی قائل نبوده است. حاصل جمع مواد ۱ و ۲ (تعهدات اعضا در خصوص عدم گسترش افقی) و ۶ (خلع سلاح هسته‌ای) این است که «بازدارندگی موقت به نفع صلح

۱. از مهم‌ترین مشخصه‌های بازدارندگی هسته‌ای، تهدید به بمباران هسته‌ای مناطق شهری و مجتمع‌های صنعتی بود. برخلاف جنگ‌های متعارف که در آنها اهداف نظامی مورد حمله قرار می‌گرفتند، اساس بازدارندگی هسته‌ای در جریان جنگ سرد، بر هدف قرار دادن مناطق غیرنظامی و تخریب همه مراکز اقتصادی و اجتماعی دولت رقیب مبتنی بود و در حقیقت قدرت‌های هسته‌ای صلح بین خود را با مورد تهدید قرار دادن جان میلیون‌ها انسان حفظ کردند.

۲. مسئله مشروعیت استفاده از سلاح هسته‌ای، از مشکل‌ترین درخواست‌های نظر مشورتی است که دیوان در طول فعالیت خود با آن روبه‌رو بوده است؛ به‌گونه‌ای که قریب بیست ماه طول کشید تا دیوان موفق به صدور نظر مشورتی خود شود. دیوان برای نخستین بار اعلام می‌کند که استفاده از سلاح هسته‌ای همانند استفاده از سایر تسلیحات تابع حقوق مخاصمات مسلحانه است. همچنین دیوان در این نظر مشورتی به تجزیه و تحلیل حقوق بشردوستانه پرداخته و نظر مشورتی دیوان دربرگیرنده مسائل مهمی در خصوص این قواعد و نحوه تفسیر آنهاست. با این حال، خودداری دیوان از اعلام این مطلب که سلاح‌های هسته‌ای همیشه و در همه موارد ممنوع‌اند، نشان می‌دهد که معتقدان به غیرقانونی بودن این سلاح، شکست خورده‌اند و برعکس طرفداران مشروعیت سلاح هسته‌ای، در عمل پیروز شدند و بزرگ‌ترین آرزوی دسته اخیر از کشورها، مبنی بر اینکه سیاست بازدارندگی هسته‌ای نباید نامشروع تلقی شود، به‌طور کامل مورد پذیرش قرار گرفت (Gold blat, 1997: 53).

دائم» پیش‌بینی شده که براساس آن، صلح دائم تنها از طریق خلع سلاح هسته‌ای یعنی امحای کامل بازدارندگی میسر خواهد شد (قاسمی، ۱۳۸۶: ۳۷). ماده ۶ ابقای ذخایر قدرت‌های هسته‌ای را نه به‌عنوان نقش این ذخایر در صلح‌آفرینی، بلکه نقطه توقف مسابقات هسته‌ای و آغاز حرکت به سمت خلع سلاح دانسته است. در شرایط کنونی که هنوز هم ماده ۶ نتوانسته جای‌گزین مواد ۱ و ۲ شود، تنها دو گزینه برای تأمین صلح دائم وجود خواهد داشت: حرکت دولت‌های غیرهسته‌ای به سمت کسب این سلاح‌ها، و شکل دادن شرایط توازن وحشت از یک‌سو، و اهتمام به نفی کامل بازدارندگی هسته‌ای از سوی دیگر (Takur, 2002: 29). راه‌حل منطقی و حقوقی، انتخاب گزینه دوم و طرد کامل بازدارندگی هسته‌ای از طریق انعقاد معاهده جهان‌شمول خلع سلاح هسته‌ای است که در نتیجه آن، چند هدف حاصل می‌شود: امتیازات انحصاری قدرت‌های هسته‌ای خاتمه می‌پذیرد؛ امکان استناد به موازین حقوقی برای الزام به انهدام زرادخانه‌های هسته‌ای موجود فراهم می‌شود؛ درنهایت دوره‌ای جدید از تاریخ زیست جمعی بشری آغاز خواهد شد. درعمل، دکترین بازدارندگی هسته‌ای که تنها توسط دارندگان این سلاح طرح شده و مورد حمایت قرار گرفته، از رهگذر مانع‌تراشی بر سر راه توسعه تدریجی حقوق خلع سلاح، پیامدهایی منفی بر صلح و امنیت بین‌المللی بر جای گذاشته است (Fujita, 1977: 63-64). معاهدات هسته‌ای پس از آن. پی. تی. (حداقل در مقدمه خود) حاوی قیودی نظیر ماده ۶ معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای هستند که براساس آنها هر طرف معاهده متعهد می‌شود مذاکرات مربوط به تدابیر مؤثر توقف مسابقات تسلیحات هسته‌ای را با حسن نیت دنبال کند. درباره برداشت رویه قضایی بین‌المللی از ماده فوق، اقلیتی غربی (با بهره‌گیری از مکتب مک دوگال)، آن را مترادف با «تعهد به مذاکره محض» (Pactum de negotiando) می‌دانند (Matheson, 1977: 434).^۱ این در حالی است که بنا به نظر قاطع حقوق‌دانان، قید مذکور معادل «تعهد به انعقاد معاهده» (Pactum de contrabendo) است (ممتاز، ۱۳۷۵: ۵۹). قطعنامه ۱۹۹۶ مجمع عمومی ملل متحد که متعاقب صدور این رأی به تصویب رسید، نیز مؤید همین برداشت است.^۲ هرچند بازدارندگی به‌عنوان یکی از نظریه‌های راجع به جلوگیری از منازعه، در برخی جهات بر اصول و اندیشه‌هایی عمیق استوار است، بدون شک بازدارندگی، تنها وجهت متعارف دارد و در حوزه سلاح‌های کشتار جمعی، هرگونه

1 also Stephan Rademaker, US Compliance with Article VI of the NPT, (Feb. 3, 2005), <www.acronym.org/uk/docs/0502/doc_13.htm>.p.3.

۲. رامش تاکور، محقق خلع سلاح در مؤسسه مطالعات خلع سلاح سازمان ملل متحد، درخصوص این آزمایش‌ها می‌گوید: «هیچ‌یک از کشورهای هسته‌ای که آن. پی. تی. را در ۱۹۶۸ امضا کردند، این سلاح‌ها را کنار نگذاشته‌اند. آنها درباره خلع سلاح هسته‌ای حرف می‌زنند، اما به شیوه‌ای دیگر عمل می‌کنند.»



تمایل به آن، موجب تضعیف قواعد رجوع به منع این سلاح‌ها می‌شود.^۱ اگر قرار باشد که استفاده از سلاح‌های هسته‌ای با آن همه پیامد اجتناب‌ناپذیر مشروع باشد، بدون شک درباره سلاح‌های بیولوژیک که آثار مخرب کمتری دارد، این مشروعیت بیشتر نمود خواهد داشت (Fidler, 1977: 226-227).

۲-۱. بهانه مبارزه با تروریسم

حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر و همچنین ظهور تروریسم در منطقه، بعضی مباحث از جمله تلاش در جهت کنترل تولید و توسعه تسلیحات هسته‌ای و غیرهسته‌ای را در صدر برنامه‌ها و دستور کار جامعه بین‌المللی قرار داده و آن را به‌عنوان یکی از نگرانی‌های جدی جهانی، منطقه‌ای و ملی عصر حاضر برجسته کرده است^۲ (Fidler, 2003: 315). با کمال تأسف، در این شرایط، کشورهای غربی سعی می‌کنند از فضا و محیط ناشی از ظهور تروریسم و توجه افکار عمومی به آنها استفاده کنند و با روند کنترل تولید و توسعه تسلیحات، سیاست دوگانه و برخورد تبعیض‌آمیز خود را همچنان ادامه دهند.

در این میان تلاش برخی کشورهای غربی به رهبری ایالات متحده این است که معاهدات خلع سلاح و کنترل تسلیحات را از حوزه حقوق بین‌الملل حذف کنند و با اقدامات یک‌جانبه یا استفاده از اقدامات شورای امنیت، که بر پایه خواست آنها باشد، جای‌گزینی برای آنها بیابند که قادر به محدود ساختن فعالیت‌های نظامی آنان نباشد (Amy, 2001: 3). این رویکردها هرگز، نه با اصول نظم حقوقی کنونی سازگار است و نه می‌تواند منافع کشورهای درحال توسعه (یا فاقد حق وتو در شورای امنیت) را که اکثریت اعضای جامعه بین‌المللی کنونی‌اند، تأمین کند. برخی اقدام‌های یک‌جانبه‌گرایانه آمریکا در عرصه تولید و توسعه تسلیحات که سبب شده است حیات رژیم‌های معاهده‌ای متوقف یا اجرای آنها با مانع روبه‌رو شود یا از تکوین رویه‌ها و ترتیبات تفصیلی اجرایی آنها جلوگیری به عمل آید، شامل معاهده موشک‌های ضدبالستیک، کنوانسیون سلاح‌های بیولوژیک و کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی می‌شود (ساعد، ۱۳۸۱: ۱۶۰-۱۶۶).

۱. بازدارندگی موجب می‌شود که برخی دولت‌ها همواره به توسعه فناوری برای گسترش سلاح‌های کشتار جمعی بپردازند و در حوزه سلاح‌های هسته‌ای نیز موجب توجه حقوقی برای گسترش عمودی این سلاح‌ها می‌شود بدون اینکه قدرت‌های هسته‌ای به دلایل و ملاحظات امنیت بین‌المللی و مقتضیات بشری، کمترین محدودیتی برای آزادی عمل خود در این رابطه احساس کنند. در واقع بازدارندگی، افزایش حاکمیت ملی قدرت‌های هسته‌ای را به‌رغم تضعیف حاکمیت دیگران تعقیب خواهد کرد (سرتیپی، ۱۳۹۱: ۱۹۸).

۲. حادثه ۱۱ سپتامبر باید جامعه بین‌المللی را به‌سوی فرهنگ پیشگیری، به جای فرهنگ عکس‌العملی و پیش‌دستی سوق دهد، اما متأسفانه به نظر می‌رسد سیاست‌های یک‌جانبه و اقدام‌های فردی آمریکا، شدت بیشتری به خود گرفته و موازین و هنجارهای این بخش از حقوق بین‌الملل معاصر را از نظر اجرا با مشکلاتی روبه‌رو کرده است.

برخلاف انگیزه‌های موجود در تدوین معاهدات خلع سلاح و کنترل تسلیحات که به‌منظور حفظ صلح و امنیت بین‌المللی صورت می‌گیرد، انگیزه‌های دیگری از جمله موازین حقوق بین‌المللی بشردوستانه نیز درصدد خلع سلاح و کنترل تسلیحات برآمده‌اند که موجب تفکیک این نوع معاهدات می‌شود. تفکیک معاهدات خلع سلاح و کنترل تسلیحات نظیر معاهدات خلع سلاح‌های کشتار جمعی و سلاح‌های متعارف، بسته به دسته‌بندی انجام‌شده درباره نوع سلاح‌ها بر مبنای شاخص میزان قدرت انهدام و حجم تلفات ناشی از ماهیت یا نوع کاربرد آنها انجام شده است. لذا نتیجه‌گیری به‌دست‌آمده در اسناد بین‌المللی راجع به ممنوعیت و جنایت‌کارانه بودن به‌کارگیری سلاح‌های نامتعارف نشان می‌دهد که مبنای ممنوعیت به‌کارگیری این نوع سلاح‌ها می‌تواند بر اصول متعددی مانند اصل حمایت از شهروندان و غیرنظامیان و اصل حمایت از محیط زیست متکی باشد. به‌علاوه عدم مشروعیت استفاده از تسلیحات نامتعارف برخاسته از اصول اخلاقی و انسانی نظیر اصل تفکیک میان نظامیان و غیرنظامیان، اصل منع ایراد و تحمیل درد و رنج بی‌هوده‌ای می‌باشد که اهداف جنگ از توجیه آن ناتوان است. بنابراین تردیدی در این خصوص باقی نمی‌ماند که حق تولید و توسعه تسلیحات نامتعارف از جمله توسل به بازدارندگی هسته‌ای و بهانه مبارزه با تروریسم، که حاوی تهدیدی معتبر در خصوص کاربرد سلاح هسته‌ای در مواقع لزوم است، حتی حداقل‌هایی از هنجارهای مورد اشاره را از گزند آثار سوء خود در امان نگذاشته است و به‌صورت گسترده‌ای آنها را مورد نقض شدید قرار می‌دهد (رضائیان، ۱۳۸۳: ۲۱۸).

۲. حق دولت‌ها در تولید و توسعه تسلیحات متعارف

در عمل، خلع سلاح کشتار جمعی به دلیل آثار جبران‌ناپذیر ناشی از به‌کارگیری این سلاح‌ها، بیشتر مورد توجه و حمایت جامعه بین‌المللی و افکار عمومی است. توجیه‌پذیر نبودن تولید یا کاربرد سلاح‌های بیولوژیک و شیمیایی برای کشورها به‌صورت آشکار، عدم دسترسی همه دولت‌ها به این سلاح‌ها و آسیب‌پذیری اغلب دولت‌ها در قبال این نوع سلاح‌ها، موجب شده است که خارج کردن این قدرت انهدام بشر از دست تعداد معدودی از دولت‌ها، مورد توجه و حمایت قرار گیرد؛ به‌طوری‌که در وضعیت کنونی منع کاربرد این سلاح‌ها اغلب به‌منزله قاعده‌ای عرفی و فرامعه‌ده‌ای تلقی می‌شود. از این‌رو، اعمال اصول خلع سلاح بر این دسته از سلاح‌ها، کمتر مورد اختلاف است. شایان ذکر است که این موضوع برای سلاح‌های هسته‌ای هنوز به اثبات نرسیده است



(دیتر فلک و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۷۴-۱۸۲)؛ اما دربارهٔ سلاح‌های متعارف که همهٔ دولت‌ها کمابیش بدان مجهزند و استفاده از آن را در راستای اعمال حقوق دفاع مشروع و همچنین برقراری نظم و امنیت داخلی ضروری می‌شمارند، پذیرش ایدهٔ خلع سلاح به‌کندی صورت می‌گیرد و دولت‌ها در برابر آن، حداکثر مقاومت را نشان می‌دهند. به همین دلیل، به‌مرور که برخی انواع سلاح‌های متعارف در عمل غیرمتناسب با اهداف طراحی‌شده ظاهر می‌شوند، نظیر سلاح‌های غیرانسانی مشمول کنوانسیون ۱۹۸۰ یا مین‌های ضدنفر، مقدمات بسط فرایند خلع سلاح برای این‌گونه سلاح‌ها نیز مهیا می‌شود. کنوانسیون منع جامع مین‌های ضدنفر ۱۹۹۷ و کنوانسیون مهمات خوشه‌ای، نمونه‌های منحصربه‌فرد خلع سلاح متعارف‌اند که عمدتاً از رویکردهای خارج از مبانی اولیهٔ خلع سلاح، بلکه از رهیافت‌های دیگری به نام حقوق بشردوستانه و اصول بشردوستانه برای تدوین آنها استفاده شده است. بنابراین باینکه حقوق بشردوستانه به منع جامع تسلیحات به‌عنوان وسیلهٔ جنگی نمی‌پردازد و تنها کاربرد تسلیحات در طول جنگ را تحدید و تنظیم می‌کند، محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های ناشی از اصول بنیادین حقوق بشردوستانه، به دلیل اینکه کاربرد را منع می‌کند، بر تهدید به استفاده و حتی مراحل پیش از آن نیز مؤثر است.

۱-۲. کنترل تولید و توسعهٔ تسلیحات در پرتو منع به‌کارگیری برخی تسلیحات متعارف
 وضع مقررات دربارهٔ خلع سلاح در حوزهٔ تسلیحات متعارف به‌منظور محدودتر کردن آثار غیرانسانی ناشی از استفاده از این سلاح‌ها، به زمان تدوین اعلامیهٔ ۱۸۶۸ سن‌پترزبورگ برمی‌گردد (Roberts, 1989: 29-31). همچنین ممنوع ساختن دسته‌های مشخصی از تسلیحات متعارف در سال ۱۹۸۰ با تصویب کنوانسیون ممنوعیت برخی سلاح‌های متعارف غیرانسانی صورت پذیرفت، که در دسامبر ۱۹۸۳ شکل اجرایی یافت. متعاقب این کنوانسیون، دسته‌های درخور توجهی از سلاح‌های متعارف ممنوع شدند که در قالب پروتکل به این معاهده ضمیمه شده‌اند (کریمی صالح، ۱۳۹۰: ۴۴). پس از حمایت جامعهٔ جهانی از خلع سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیکی، قوانین ناظر بر استفاده از سلاح‌هایی که علاوه بر ایجاد درد و رنج غیرضرور بر رزمندگان و غیرنظامیان، دارای آثار غیرتبعیض‌آمیز نیز هستند، مورد توجه قرار گرفت و قوانین حقوق بین‌الملل بشردوستانه که برگرفته از دو شاخهٔ حقوق لاهه و ژنو است، به‌منظور ایجاد ممنوعیت به‌کارگیری برخی تسلیحات متعارف به‌عنوان ارکان تقویت‌کنندهٔ



حفظ صلح و برقراری امنیت بین‌الملل شناخته شد. در این رهگذر، قوانین حقوق بین‌الملل بشردوستانه به تدریج زمینه‌های خلع سلاح تسلیحات متعارف و ممانعت از تولید و توسعه آن را پایه‌گذاری کرد. کنوانسیون منع به‌کارگیری برخی سلاح‌های متعارف (۱۹۸۰)، کنوانسیون منع جامع مین‌های ضدنفر (۱۹۹۷) و کنوانسیون مهمات خوشه‌ای (۲۰۰۸) دستاوردهای این روندند (Perrin, 2012: 117).

در مقدمه متن کنوانسیون منع به‌کارگیری برخی سلاح‌های متعارف، ضمن اشاره به اصول و قواعد شناخته‌شده بین‌المللی دربارهٔ مخاصمات مسلحانه و رعایت اصول بشردوستانه از سوی دولت‌های درگیر، به اهداف و انگیزه‌های امضاکنندگان کنوانسیون این‌گونه اشاره شده است: هر دولت عضو موظف است برابر مادهٔ دو منشور سازمان ملل متحد، در روابط بین‌المللی خود از تهدید یا کاربرد زور برضد حاکمیت، تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی دولت‌های دیگر یا به هر شکل دیگری که با اهداف سازمان ملل سازگاری ندارد، بپرهیزد... (منع توسل به زور) (حقوق بین‌الملل ناظر بر نحوهٔ هدایت مخاصمات، ۱۳۸۳: ۲۳۷). همچنین با یادآوری اصل کلی حفاظت از مردم غیرنظامی در مقابل آثار مخاصمات، با متعهد ساختن خود به اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه مبنی بر اینکه حق طرف‌های درگیری مسلحانه در انتخاب روش‌ها و ابزارهای جنگی نامحدود نیست و تعهد به این اصل که به‌کارگیری تسلیحات، پرتابه‌ها و مواد و روش‌های جنگی که ماهیتاً موجب جراحات شدید یا صدمات غیرضروری می‌گردند، ممنوع است (اصل محدودیت). همچنین با یادآوری اینکه به‌کارگیری روش‌ها یا ابزارهای جنگی که قطعاً یا احتمالاً منجر به وارد آمدن خسارات گسترده، بلندمدت و شدید به محیط زیست طبیعی شود، ممنوع شده است (کنوانسیون انمد) (هنرکز و دوسوالدبک، ۱۳۸۷: ۴۳۸-۴۴۳).

کشورهای متعهد با تأیید عزم خود مبنی بر آنکه در مواردی که تحت پوشش این کنوانسیون و پروتکل‌های آن یا دیگر موافقت‌نامه‌های بین‌المللی قرار ندارند، مردم غیرنظامی و رزمندگان باید در تمام اوقات تحت حفاظت و اقتدار اصول حقوق بین‌الملل که از عرف ایجادشده، اصول انسانی و حاکمیت وجدان عمومی نشئت گرفته است باقی بمانند (شرط مارتنز)، همچنین با اظهار تمایل به مشارکت در تنش‌زدایی بین‌المللی، پایان مسابقات تسلیحاتی و ایجاد اطمینان در میان دولت‌ها و براین‌اساس تحقق آرزوی تمام بشر برای زندگی در صلح، با شناسایی اهمیت پیگیری هرگونه تلاشی که می‌تواند به پیشرفت به‌سوی خلع سلاح کامل و عمومی تحت کنترل مؤثر بین‌المللی



کمک کند (شریعت باقری، ۱۳۹۳: ۱۳) و با آرزوی ممنوعیت یا محدودیت بیشتر کاربرد برخی سلاح‌های متعارف و با اعتقاد به اینکه نتایج مثبت حاصل شده در این زمینه می‌تواند مذاکرات اصلی خلع سلاح را به‌منظور خاتمه بخشیدن به تولید، انباشت و اشاعه این سلاح‌ها تسهیل کند، ... توافق کردند به انجام تعهدات مندرج در مواد یازده‌گانه این کنوانسیون اقدام کنند. کنوانسیون منع کاربرد برخی سلاح‌های متعارف ۱۹۸۰ موافقت‌نامه‌ای کلی است و از زمان تصویب تاکنون سازمان‌های بین‌المللی و سایر نهادها به شناسایی سلاح‌های خاص که مشمول موارد یادشده در این کنوانسیون می‌شوند، اقدام کردند و ممنوعیت آنها را تحت پروتکل‌های مختلف به تصویب رساندند (کریمی صالح، ۱۳۹۰: ۵۰).

مسلم است که چنانچه مسابقات تسلیحاتی و جنگ‌های خونین به‌گونه‌ای افسارگسیخته راه خود را طی کنند، بشر هیچ‌گاه نمی‌تواند فکر دنیایی عاری از تسلیحات را در سر بپروراند. از این‌رو این کنوانسیون طی سالیان گذشته علاوه بر کاهش آلام بشر در جنگ‌ها، کمک شایانی به منع تولید و توسعه تسلیحات متعارف کرده است؛ چراکه الزام به عدم به‌کارگیری تسلیحات متعارف، عدم تولید و توسعه را به همراه خواهد داشت.

۲-۲. کنترل تولید و توسعه تسلیحات در پرتو معاهده تجارت تسلیحات

در حقوق بین‌الملل تا پیش از تصویب نهایی معاهده تجارت اسلحه، قواعد دقیقی برای نظارت بر تجارت اسلحه و مهمات و به‌طور خاص سلاح‌های متعارف وجود نداشت (Zagel, 2005: 124). دلیل این امر نیز روشن است؛ چراکه از یک سو در حقوق بین‌الملل بیشتر تلاش شده است تا سلاح‌های کشتار جمعی و خطرناک محدود و ممنوع شوند و نحوه استفاده از این تسلیحات نظام‌مند شود و از سوی دیگر قدرت‌های بزرگ تولیدکننده سلاح‌های متعارف و مهمات مایل نیستند درآمدهای هنگفت خود را با هیچ‌گونه تهدید یا تحدید ناشی از نظام‌مندی تجارت اسلحه مواجه سازند. با این حال می‌توان با مراجعه به منابع عام حقوق بین‌الملل، برخی محدودیت‌های ضمنی در این خصوص را شناسایی کرد.^۱ معاهده تجارت اسلحه ۲۰۱۳، معاهده‌ای

۱. شایان ذکر است طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها که در سال ۲۰۰۱ توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد ارائه شده، حاوی قواعد و مقرراتی است که می‌توان از آنها در بحث حاضر نیز بهره گرفت. طبق ماده ۱۶ طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل کمک و حمایت آگاهانه از ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی یعنی استفاده نامشروع از سلاح و مهمات به نحوی که موجب نقض قواعد بین‌المللی حقوق بشر یا حقوق بشردوستانه باشد، در صورت تحقق شروط سه‌گانه زیر می‌تواند موجب طرح مسئولیت بین‌المللی دولت باشد:

الف) دولت کمک یا حمایت‌کننده بداند و آگاه باشد که تسلیحات و مهماتی که در اختیار طرف استفاده‌کننده قرار داده

مهم و فنی است که بی‌تردید، معاهده‌ای بسیار خاص در نظام تجارت بین‌الملل، نظام خلع سلاح و حقوق بین‌الملل شمرده می‌شود. معاهده تجارت اسلحه حاوی پیامی کلی است و آن این است که اگر مقصد دریافت سلاح و مهمات در زمره حکومت‌هایی است که کارنامه حقوق بشری مثبتی ندارند یا در سابقه کشور مقصد تعدی جدی به موازین و مقررات حقوق بشر و حقوق بشردوستانه به چشم می‌خورد، این کشور و حکومت آن نباید به واسطه دریافت جنگ‌افزار مورد تقویت و حمایت قرار گیرند و همچنین تجارت اسلحه نباید موجب تقویت تروریسم و حمایت از آن شود.^۱

تعهد به رعایت و تضمین رعایت حقوق بشردوستانه، از بنیادی‌ترین تعهدات حقوق بین‌الملل است که جنبه عام‌الشمول دارد (تدینی و کازرونی، ۱۳۹۴: ۱۲). از این رو دولت‌های فروشنده و اگذارکننده، ترانزیت‌کننده یا ارسال‌کننده سلاح و مهمات تعهد دارند که با ارسال سلاح و مهمات که یکی از مصادیق توسعه تسلیحات به‌شمار می‌آید، موجبات نقض حقوق بشردوستانه و حقوق بشر را در جریان درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و داخلی فراهم نیاورند (تیگروم، ۱۳۸۶: ۱۷۷-۱۸۱). در حقوق بین‌الملل تا پیش از تصویب نهایی معاهده تجارت اسلحه، قواعد دقیقی برای نظارت بر تجارت اسلحه و مهمات و به‌طور خاص سلاح‌های متعارف وجود نداشت. بند ۳ ماده ۶ که در واقع مهم‌ترین مقررۀ بشردوستانه معاهده هم شمرده می‌شود مقرر می‌دارد که مبادله سلاح، مهمات و قطعات ممنوع است؛ البته چنانچه دولت مبادله‌کننده بداند که این

است، در جهت نامشروع به کار خواهند رفت. بدیهی است که در جهان امروز که پدیده رسانه و اینترنت همه وقایع و اتفاقات جهان را بلافاصله به اطلاع همگان می‌رساند، تحقق این شرط چندان دشوار به نظر نمی‌رسد؛
 ب) ارتباط بین نقل و انتقال سلاح و نقض حقوق بین‌الملل وجود داشته باشد؛
 ج) تعهدات نقض‌شده توسط استفاده‌کننده از سلاح و مهمات، از تعهدات دولت کمک‌کننده و حمایت‌کننده نیز شمرده شوند. بدیهی است که همه دولت‌ها به مقررات بین‌المللی حقوق بشر و وضعیتی است که به واسطه نقض جدی حقوق بین‌الملل از طرفی بند ۲ ماده ۴۱ طرح مبنی بر عدم شناسایی موقعیت و وضعیتی است که به واسطه نقض جدی حقوق بین‌الملل ایجاد شده و تعهد مبنی بر عدم کمک یا حمایت در حفظ و تداوم این وضعیت غیرقانونی را در برمی‌گیرد. به نظر می‌رسد در شرایط نقض مقررات حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه که مثال بارز آن، وضعیت این روزهای عراق و سوریه در نتیجه جنایات گروه موسوم به داعش است، ارسال سلاح و مهمات برای طرف متخلف، علاوه بر اینکه به مثابه کمک و حمایت در تداوم وضعیت تلقی می‌شود، می‌تواند تا حدی به معنای شناسایی آن وضعیت غیرقانونی نیز باشد (عسگری و حسین‌زاد، ۱۳۹۵: ۱۵۳).

۱. معاهده تجارت اسلحه اقسام جنگ‌افزارهای متعارف از جمله تانک‌ها، هواپیماها، هلیکوپترها، موشک‌ها و سلاح‌های کوچک و سبک و نیز قطعات آنها را در برمی‌گیرد. اما جنگ‌افزارهایی از جمله نارنجک‌های دستی، مواد انفجاری متعارف، مین‌های زمینی، روبات‌های جنگی و پهپادهای مسلح در دایره شمول این معاهده قرار ندارند. البته طبق بند ۳ ماده معاهده، همه دولت‌های عضو به تفسیر موسع ترغیب شده‌اند. مهمات و قطعات صرفاً در مورد صادرات و آنجا که مربوط به تسلیحات متعارف مطروح در بند ۱ ماده ۲ باشد (البته با تأکید بر مواد ۶ و ۷)، در شمول کنترل‌های معاهده قرار دارند که البته این خود محدودیتی بسیار مهم است؛ زیرا سلاح‌های بی‌شمار فعلی پراکنده در جهان، بدون مهمات نمی‌توانند کارایی خاصی از خود بروز دهند و نیز ممنوعیت صادرات قطعات، مانع تعمیر سلاح‌های معیوب یا دور زدن معاهده با ارسال دانه‌دانه قطعات می‌شود. بندهای ۱ و ۲ ماده ۶ به ممنوعیت مبادله سلاح، مهمات و قطعات اشاره دارند که با موضوع قطعنامه‌های طبق فصل هفتم شورای امنیت هستند یا موضوع معاهدات بین‌المللی‌اند. البته در خصوص معاهدات باید گفت به نظر می‌رسد این معاهدات عمومیت دارند و مثلاً علاوه بر مین‌های ضد نفر یا بمب‌های خوشه‌ای، می‌توانند محدودیت‌های ناشی از سایر معاهدات و از جمله معاهدات حقوق بشری را نیز شامل شوند.



اقدام در ارتکاب ژنوساید، جنایت برضد بشر، نقض فاحش کنوانسیون‌های ۱۹۴۹، حمله برضد اشخاص و اهداف مورد حمایت یا سایر جنایات جنگی تعریف شده در معاهدات بین‌المللی که دولت عضو آن است به کار می‌روند (عسگری و حسین نژاد، ۱۳۹۵: ۱۵۳). ماده ۷ معاهده در تکمیل ماده ۶ آمده و مقرر می‌دارد که دولت عضو قبل از صادرات سلاح، مهمات و قطعات، باید بررسی کند که این اقدام به صورت بالقوه موجب ارتکاب یا تسهیل نقض جدی حقوق بین‌الملل بشردوستانه یا حقوق بین‌الملل، خدشه به صلح و امنیت بین‌المللی، ارتکاب یا تسهیل تروریسم یا جنایات سازمان‌یافته و خشونت‌های مبتنی بر جنسیت یا خشونت برضد زنان و کودکان نشوند. اگر نتیجه بررسی‌ها حاکی از وجود خطری برجسته باشد، نباید مجوز صادرات داده شود و اگر اطلاعات جدیدی حتی بعد از صدور مجوز هم به دست آید، طبق این ماده دول عضو تشویق به تجدیدنظر در مجوز سابق شده‌اند^۱ (همان: ۱۶۶).

بنابراین باینکه حقوق بشردوستانه به منع جامع تسلیحات به‌عنوان وسیله جنگی نمی‌پردازد و تنها کاربرد تسلیحات در طول جنگ را تحدید و تنظیم می‌کند، محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های ناشی از اصول بنیادین حقوق بشردوستانه، به دلیل اینکه کاربرد را منع می‌کند، بر تهدید به استفاده و حتی مراحل پیش از آن نیز مؤثر است.

۳. کنترل تولید و توسعه تسلیحات در پرتو منع به‌کارگیری برخی تسلیحات جدید
تولید سلاح‌های جدید همچون سلاح‌های تقویت‌شده با نانوفناوری، تسلیحات خودکار، تسلیحات فضایی یا همان ضدماهواره، تسلیحات هدایت‌کننده انرژی‌های قوی همچون بمب‌های الکترومغناطیسی از یک سو و ارتقای کارایی تسلیحات قدیمی‌تر از سوی دیگر، از اقدامات انجام‌شده برای رشد فناوری تسلیحاتی است. این در حالی است که حقوق بین‌الملل با این واقعیت مواجه است که در کنار رشد فزاینده تسلیحات و فناوری‌های جدید، نتوانسته است دست به اقدامات مؤثری تحت عنوان کنوانسیون‌های بین‌المللی برای تنظیم این تسلیحات بزند. به این منظور می‌توان از اصول حقوق بشردوستانه برای احصای محدودیت حق دولت‌ها درباره تولید و توسعه این نوع تسلیحات بهره برد (Dinstein, 2012: 15).

۱. البته در این زمینه کاستی‌هایی وجود دارد. مواد ۶ و ۷ معاهده باتوجه‌به اینکه بررسی اوضاع را به عهده کشور فروشنده یا صادرکننده تسلیحات گذاشته‌اند، مورد انتقاد جدی هستند؛ چراکه همین امر می‌تواند منافع و محاسبات سیاسی را در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با اجرای این مواد دخیل کند. از طرفی تعهد به جبران خسارات قربانیان تجارت غیرمستولانه سلاح به دلیل مخالفت دولت‌ها، از پیش‌نویس این معاهده حذف شد. این کاستی‌ها به‌ویژه در جنگ ویرانگر عربستان برضد یمن بیشتر نمایان می‌شود. البته حتی در فرض تصویب این معاهده از سوی دولت‌های ذی‌ربط و در فرض اثبات ارائه اسلحه از سوی دولت، هیچ پیامد لازم‌الاجرای برای دولت مورد نظر از این معاهده استنتاج نمی‌شود.

اعلامیه سن پترزبورگ با تأکید بر اهمیت بررسی مشروعیت سلاح‌های جدید از سوی دولت‌ها، اعلام کرد: دولت‌های عضو این حق را برای خود محفوظ داشته‌اند که در هر زمانی بتوانند درباره توسعه علمی تجهیزات نظامی خود فعالیت کنند و در عین حال اصول مرتبط به حقوق انسانی را مد نظر داشته باشند. در قسمتی دیگر از این اعلامیه آمده است: دول عضو توافق می‌کنند که در خصوص تسلیحاتی که در آینده ایجاد خواهند شد، اصولی را ایجاد کنند که طی این اصول، کاربرد این تسلیحات با ضرورت‌های جنگی و حقوق بشر متوازن باشد (Roberts, 1989: 29-31).

۱-۳. تسلیحات جدید و اصول کلی مخصصات مسلحانه

مسئلاً قانونمند کردن هر سلاح جدیدی که به بازار وارد می‌شود یا هر سلاحی که در کارایی‌های آن اصلاحاتی داده می‌شود غیرممکن است؛ زیرا تعداد تسلیحات جدید یا با فناوری‌های جدید همواره رو به افزایش‌اند. از این رو ایجاد و برقراری پاره‌ای قواعد اصولی می‌تواند نتیجه مورد درخواست را محقق کند، بدون آنکه نامی از هر سلاح برده شود. حتی عده‌ای از این نیز فراتر رفته و اشاره به تسلیحاتی خاص را ناروا برشمرده‌اند. مک لاگلین در مقاله خود به توسعه امروزی گلوله‌های موسوم به دام‌دام (گلوله‌هایی که در بدن پخش می‌شوند) اشاره می‌کند و معتقد است وجود معاهده خاص درباره این گلوله‌ها بیشتر از تأثیر مثبتش، تأثیر منفی دارد. او می‌نویسد: امروزه با توجه به ممنوعیت ایراد خسارات پهلوه‌پهلوه و جراحات تصادفی، نیازی به قانون‌گذاری خاص درباره این گونه تسلیحات و هر سلاحی که با رشد فناوری ارتقا پیدا کرده است نیست (McLaughlin, 2011: 107).

به موجب بند ۲ ماده ۱ پروتکل اول، در مواردی که برخی تسلیحات شامل این پروتکل یا سایر توافق‌نامه‌های بین‌المللی نمی‌شود، غیرنظامیان و همچنین متخاصمان تحت حمایت اصول حقوق بین‌الملل مذکور در عرف مستحکم، اصول بشر و افکار عمومی‌اند. این شرط که به شرط مارتنز (Martens Clause) مشهور است، در مقدمه مقررات لاهه ۱۹۰۷، مقدمه مقررات سوم لاهه ۱۸۹۹ و مقدمه پروتکل دوم ۱۹۷۷ الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ ریشه دارد که براساس آن در زمانی که نه عرف مسلم و نه معاهده‌ای برای حمایت از غیرنظامیان و حتی نظامیان وجود ندارد، انسانیت می‌تواند تعیین‌کننده نحوه برخورد متخاصمان باشد. دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در رأی مشورتی سلاح‌های هسته‌ای، بر اهمیت شرط مارتنز تأکید می‌کند و اظهار



می‌دارد: درباره وجود و قابلیت اعمال این شرط، شکی وجود ندارد، و در ادامه می‌گوید: این اصل، یک وسیله مؤثر در مقابل تحول سریع فناوری نظامی است. در انتها نیز دیوان نتیجه می‌گیرد که این شرط ریشه در عرف بین‌المللی دارد. براساس نظر دیوان، حقوق بشردوستانه بین‌المللی درباره تمام انواع تسلیحات اعمال می‌شود و جدید بودن سلاح، مانع اعمال حقوق بین‌المللی درباره آن نیست (لسانی، ۱۳۹۵: ۱۰۲).

در ماده ۳۶ پروتکل اول ۱۹۷۷ کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ آمده است: دول معظم متعاهد در زمان انجام تحقیق، ارتقا، اکتساب یا پذیرش تسلیحات، وسایل و شیوه‌های جنگی متعهدند بررسی کنند که آیا به کار بردن آن سلاح در تمام یا برخی شرایط به وسیله این پروتکل یا هر قاعده دیگری در حقوق بین‌الملل که برای آن دولت لازم‌الاجراست ممنوع شده است یا خیر؟ اجرای صحیح این ماده می‌تواند حقوق بین‌الملل را از تصویب معاهدات دیگری درباره سلاح‌هایی که در آینده به بازار خواهند آمد معاف کند؛ زیرا در صورت رعایت قواعد محدودکننده تسلیحاتی (بدون ذکر نام سلاحی خاص) که در قواعد قراردادی و عرفی بین‌المللی آمده‌اند (مانند اصل تفکیک یا منع رنج بی‌هوده)، سازندگان تسلیحات آینده به رعایت این محدودیت‌ها مجبور می‌شوند و رعایت ماده ۳۶ تضمین اجرای این محدودیت‌ها خواهد بود.

۳-۲. ممنوعیت مشخص برخی تسلیحات به موجب حقوق عرفی بین‌المللی

صلیب سرخ به‌عنوان بانی و حامی کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل‌های ۱۹۷۷ آن در سال ۱۹۹۶ اجلاسی را درباره عملیات درمانی و آثار تسلیحاتی در مونترو (سوئیس) برگزار کرد و از این اجلاس این نتیجه گرفته شد که برخی سلاح‌ها ذاتاً مهلک‌اند و سبب زیان‌های شدید و غیرضروری می‌شوند. از این‌رو، صلیب سرخ پروژه‌ای به نام سایروس را تعریف کرد که از عبارت ممنوعیت به کار بردن تسلیحات، گلوله‌ها، مواد و روش‌های جنگی که ذاتاً سبب جراحات شدید و آسیب‌های غیرضروری می‌شوند گرفته شده است. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در ۲۰۰۵ با انتشار کتابی به نام مجموعه قواعد عرفی حقوق بشردوستانه بین‌المللی، که حاصل پژوهشی درباره شناسایی قواعد عرفی حقوق بشردوستانه بین‌المللی است، ۱۶۱ قاعده عرفی در حقوق بشردوستانه بین‌المللی را معرفی کرده است. در این مجموعه از قواعد عرفی بین‌المللی، از سلاح‌های سمی (قاعده ۷۲)، میکروبی (قاعده ۷۳) و شیمیایی (قاعده ۷۴) گرفته تا تله‌های انفجاری (قاعده ۸۰) و سلاح‌های لیزری (قاعده ۸۶) ممنوع اعلام شده



است (Henckaerts, 2009: 251-292). از این رو دولت‌هایی که عضو برخی معاهدات ممنوع‌کنندهٔ تسلیحات نشده‌اند، طبق قواعد عرفی بین‌المللی از داشتن این تسلیحات منع می‌شوند. کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ دربارهٔ اجرای مادهٔ ۳۶ بیان داشته که هدف از بازبینی تسلیحات جدید، جلوگیری از کاربرد تسلیحاتی است که حقوق بین‌الملل را در همهٔ شرایط نقض می‌کنند و همچنین محدود کردن تسلیحاتی است که حقوق بین‌الملل را در برخی شرایط نقض می‌کنند (ICRC, 2006: 933).

۳-۳. دلایل عدم موفقیت در ممنوعیت تولید تسلیحات جدید

باید بیان داشت اگر دولت‌ها حاضر شده‌اند که مین‌های ضدنفر یا مهمات خوشه‌ای را ممنوع کنند، به این سبب است که به مرور زمان از درجهٔ راهبردی این سلاح‌ها کاسته شده و این امر دولت‌ها را به ایجاد قواعد خاص دربارهٔ آنها مجاب کرده است؛ هرچند کشورهایی مانند آمریکا، روسیه و چین هنوز به کنوانسیون منع مین‌های ضدنفر یا کنوانسیون ممنوعیت مهمات خوشه‌ای نپیوسته‌اند و این نشان‌دهندهٔ آن است که سلاح‌های مزبور برای این دولت‌ها هنوز اهمیت بسیاری دارند (Schmitt, 2010: 814). از این رو به نظر می‌رسد دولت‌ها حاضر به این نخواهند شد که سلاح‌هایی را که از فناوری‌های جدیدی برخوردارند، اما تأثیر راهبردی آنها هنوز عملاً خود را نشان نداده است، تابع قواعد قراردادی خاص قرار دهند. سلاح‌هایی مانند سلاح‌های فضایی، سلاح‌های تقویت‌شونده با نانوفناوری و تسلیحات سایبری از این نمونه‌اند. از سوی دیگر دولت‌ها همواره به دنبال آن‌اند که از طریق توسعهٔ تسلیحات جدیدی که قدرت نظامی آنها را تقویت کند، بر دشمنانشان برتری نظامی پیدا کنند. تأمین و حفظ منافع حیاتی ملی، از اهدافی است که دولت‌ها تلاش می‌کنند به آن از طریق پذیرش حقوق مخاصمات مسلحانه برسند و از این رو دولت‌ها کمتر حاضر به پذیرش قواعد حقوقی‌اند که آزادی عمل آنها را بی‌جهت محدود کند (Nasu and Faunce, 2010: 799).



نتیجه‌گیری

به‌رغم وجود قواعد عام و خاص در حقوق بین‌الملل دربارهٔ تسلیحات نامتعارف از جمله سلاح هسته‌ای، وضعیت معاهدات بین‌المللی در این باره هنوز شفاف و بی‌چون‌وچرا نیست. در زمینهٔ منع تولید و توسعهٔ سلاح‌های هسته‌ای، موضوع از طریق انعقاد معاهدات دو یا چندجانبه و اتخاذ روش‌های منع تولید و اشاعهٔ افقی و عاری ساختن برخی مناطق از سلاح‌های هسته‌ای و منع انجام آزمایش‌های هسته‌ای دنبال شده است. با توجه به رأی دیوان بین‌المللی دادگستری، تلاش‌های بین‌المللی برای قراردادی شدن ممنوعیت تهدید یا استفاده از سلاح هسته‌ای هنوز به جایی نرسیده است. این در حالی است که همان‌گونه که بیان شد، دربارهٔ سایر تسلیحات نامتعارف نظیر تسلیحات شیمیایی و بیولوژیک، توافقات خوب و قابل قبولی شکل گرفته است. دربارهٔ سلاح‌های متعارف نیز که همهٔ دولت‌ها کمابیش بدان مجهزند و استفاده از آن را در راستای اعمال حقوق دفاع مشروع و همچنین برقراری نظم و امنیت داخلی ضروری می‌شمارند، پذیرش ایدهٔ خلع سلاح به‌کندی صورت می‌گیرد و دولت‌ها در برابر آن، حداکثر مقاومت را نشان می‌دهند. به همین دلیل، به‌مرور و در عمل برخی انواع سلاح‌های متعارف غیرمتناسب به دلیل الزام رعایت اصول حقوق بشردوستانه دچار ممنوعیت و محدودیت در استفاده می‌شوند، که نهایتاً حق دولت‌ها دربارهٔ تولید و توسعهٔ آنها نیز با محدودیت‌هایی مواجه می‌شود. همچنین دولت‌های فروشنده، واگذارکننده، ترانزیت‌کننده یا ارسال‌کنندهٔ این نوع تسلیحات و مهمات نیز تعهد دارند که با ارسال سلاح و مهمات که یکی از مصادیق توسعهٔ تسلیحات به‌شمار می‌آید، موجبات نقض حقوق بشردوستانه و حقوق بشر را در جریان درگیری‌های مسلحانهٔ بین‌المللی و داخلی فراهم نیاورند. دربارهٔ تسلیحات جدید نیز هرچند حقوق بین‌الملل قادر به گام برداشتن همسو با رشد سریع آنها نیست، با توجه به تعهدات بین‌المللی در قالب اصول حقوق مخاصمات مسلحانه، دولت‌ها متعهد به رعایت این اصول در روند تولید و توسعهٔ تسلیحات و فناوری‌های جدید خودند که این خود محدودیتی بر حق تولید و توسعهٔ تسلیحات جدید به‌شمار می‌آید. بنابراین براساس مطالب بیان شده حق دولت‌ها دربارهٔ تولید و توسعهٔ تسلیحات نظامی از پس ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها قابل اثبات است و با رعایت اصول بیان‌شده دربارهٔ تسلیحات نامتعارف و متعارف، این حق برای دولت‌ها به‌منظور حفاظت و صیانت از موجودیت خود قابل اثبات و بهره‌برداری می‌باشد.

منابع فارسی

- اردلان، اسعد (زمستان ۱۳۸۹). «سلاح‌های شیمیایی و حقوق بین‌الملل». فصلنامه سیاست خارجی، س ۲۴، ش ۴، تهران، وزارت امور خارجه.
- ازغندی، علی‌رضا و جلیل روشن‌دل (۱۳۸۶). مسائل نظامی و استراتژیک معاصر، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- بزرگ‌مهری، مجید (۱۳۸۶). تاریخ روابط بین‌الملل (۱۸۷۰-۱۹۴۵)، تهران، سمت.
- بلوچی، حیدرعلی (۱۳۸۲). «جایگاه خلع سلاح و کنترل تسلیحات در تئوری‌های روابط بین‌الملل»، فصلنامه سیاست خارجی، س ۱۷، ش ۱.
- تدینی، عباس و مصطفی کازرونی (۱۳۹۴). «مسئولیت بین‌المللی دولت‌های ارسال‌کننده تسلیحات به گروه‌های تروریستی در سوریه»، فصلنامه راهبرد، س ۲۴، ش ۷۷.
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۹). مبانی اندیشه نظامی در اسلام، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه جامع امام حسین (ع).
- حبیب‌اللهی، مهدی (۱۳۸۳). «نقدی بر دیدگاه طردکنندگان دکترین بازدارندگی؛ نظریه بازدارندگی هسته‌ای از تئوری تا عمل»، مجله راهبرد.
- دبیری‌مهر، امیر، تئوری‌های روابط بین‌الملل، به نقل از: سایت باشگاه اندیشه به
- سرتیپی، حسین (۱۳۹۱). حقوق امنیت هسته‌ای از دیدگاه حقوق بین‌الملل، دانشگاه پیام نور.
- سلیمان‌زاده، احمدرضا (۱۳۹۳). سلاح‌های کشتار جمعی، پژوهشکده باقرالعلوم.
- شافع، میرشهبیز (۱۳۷۷). مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، ش ۴۱.
- شریعت‌زاده، امید (۱۳۸۹). طرح ابتکار امنیت تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی در حقوق بین‌الملل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- شفیع، نوذر و زهرا دولت‌خواه (۱۳۹۲). «تبیین عوامل مؤثر در شکل‌گیری معاهده تجارت تسلیحات»، مجله راهبرد.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۶). حقوق بین‌الملل عمومی، انتشارات گنج دانش.
- ظریف، محمدجواد و محمدکاظم سجادیپور (۱۳۹۱). دیپلماسی چندجانبه، تهران، وزارت امور خارجه.
- عسکرخانی، ابومحمد (۱۳۷۷). «سیری در نظریه‌های بازدارندگی، خلع سلاح و کنترل تسلیحات»، فصلنامه سیاست دفاعی، ش ۲.
- غریب‌آبادی، کاظم (۱۳۸۱). «آشنایی با معاهدات خلع سلاح و کنترل تسلیحات»، تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

- فن تیگرشتروم، باربارا (۱۳۸۶). امنیت انسانی و حقوق بین‌الملل، ترجمه اردشیر امیرارجمند، مجد. قاسم‌پور انارکی، نوید (۱۳۹۴). سلاح‌های کشتار جمعی.
- قاسمی، فرهاد (۱۳۸۶). دیپلماسی و روابط بین‌الملل، تهران، نشر میزان.
- کریمی صالح، ابراهیم (۱۳۹۰). کنوانسیون مهمات خوشه‌ای و چالش‌های امنیتی پیش روی جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه حقوق بین‌الملل خلع سلاح، دانشگاه صنعتی مالک اشتر.
- کنعانی، محمدطاهر (۱۳۸۳). حقوق بشردوستانه بین‌المللی، قبله اول.
- لسانی، سیدحسام‌الدین (۱۳۹۵). «تعهد دولت‌ها مبنی بر بازبینی حقوقی تسلیحات جدید در حقوق بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی.
- مختاری امین، مرتضی (۱۳۷۸). «بنیادهای حقوقی خلع سلاح»، فصلنامه سیاست خارجی، ش ۲.
- ممتاز، جمشید، حقوق بین‌الملل سلاح‌های کشتار جمعی، ترجمه و تحقیق امیرحسین رنجبریان، تهران، نشر دادگستر.
- شبهان، میشل (۱۳۷۸). کنترل تسلیحات و خلع سلاح، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، دسترس در: <http://bashgah.net/modules.php?name=News&file=article&sid=>
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۳). تاریخ دیپلماسی و روابط بین‌الملل؛ از پیمان وستفالی تا امروز، تهران، نشر قوم.
- هالستی، کی. جی. (۱۳۷۳). مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل، وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات.

منابع لاتین

- Amy F. Wolf (31 October 2001). Missile Defence, Arms Control, and Deterrence: A New Strategic Frame Work, CRS Report for Congress, Received thought CRS Web, Order Code RS 21057, p. 3.
- Australian Department of Defence (2005). Instruction general: legal reviw of new weapons 44-1
- Blake D., Imburgia JS (2010). Bloodless weapons? The need to conduct legal reviews of certain weapons. Air Force Law Rev 66
- Boothby, Willam (2009). Weapons and the law of armed conflict. Oxford University Press
- Convention on the prohibition of the development production and

stockpiling of bacteriological and toxin weapons and their destruction (BWC)., 1972

- Convention on the prohibition of the development production and stockpiling and use of chemical weapons and on their, 1993. OPCW.

- David Fidler (1997). International Law and Weapons of Mass Destruction, End of the Arms Control Approach?, Duke Journal of Contemporary International Law, No. 39,

- David P. Fidler (February 2003). Weapons of Mass Destruction and International Law, ASIL Insights, p. 315.

- Henckaerts, Jean Marie and Doswald beck Louise-2009- Customary international Humanitarian Law-Cambridge university press

- Hisakazu Fujita (Jan-Feb. 1997). The Avisory Opinion of the International Court on the legality of nuclear weapons, IRRC, n. 316,

- John Diamond (July 20, 2001). Bush putting U.S. Above Global Cooperation. Exceptionally Bumps Isolationism, Chicago Tribune.,

- Josef Gldblat, Arms Control: A Guide to Negotiations and Agreements, (London, Sagw Pub, 1996

- M. Matheson, The Opinion of the International Court of Justice on the Threat or Use of Nuclear Weapons. AJIL., v. 91, (1997).

- Mclaughlin R. (2011). Unmanned naval vehicles at sea: USVs, UUVs and the adequacy of the law.

- Morgenthau, Hans Jauchim (1985). Politics Among Nations: The Struggle for Power and Peace, New York: knopf.

- Nasu H, Faunce TA (2010). Nanotechnology and the international law of weaponry

- Rademaker, US Compliance with Article VI of the NPT, (Feb. 3, 2005)., <www.acronym.org/uk/docs/0502/doc13.htm>.p. 3.

- Roberts, Adam and guelff, Richard-1989-Documents on the Laws of war Clarendon Press Oxford.

- Schmitt MN (2010). Military necessity and humanity in international



humanitarian law

- Scott, Shirley. V. (2010). International law in world politics, Colorado: Lynne Rienner.

- Treaty on Non- Prolifration of Nuclear Weapons . NPT, 1968

- Yoram Dinstein, in: Stephenie G. Handler, The New Cyber Face of the Battle. Developing a Legal Approach to Accommodate Emerging Trends in Warfare, Stanford Journal of International Law, v. 48, 2012.